

استراتژی توسعه منابع آبی رژیم صهیونیستی

سیداصغر کیوان حسینی
عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس در سال ۱۹۴۸ م. «استراتژی توسعه منابع آبی» را در چارچوب اولویت‌های امنیت ملی خود قرار داده و همواره به کمک حربه‌های گوناگون بویژه برخورد نظامی و جنگ‌هایی که در مقاطع مختلف با اعراب داشته، در صدد تأمین این نیاز حیاتی برآمده است.

حتی امروز نیز که ادعای صلح‌طلبی و سازش از طرف اسرائیل مطرح می‌شود، همچنان مسأله آب به عنوان یکی از عوامل مؤثر به شمار می‌رود. چنین شاخص‌هایی باعث شده است که برخی از کارشناسان مسائل منطقه خاورمیانه، برای منابع آبی در ارتباط با جنگ‌های آینده میان اعراب و اسرائیل نقشی محوری قائل شوند.

در این مقاله مختصر سعی شده است سیاست‌های تل‌آویو در مورد استیلا بر منابع آبی منطقه تبیین شود و تا حد توان نگارنده و منابع محدود موجود، به این موضوع، که بیانگر بُعد دیگری از سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی است، پرداخته شود.

مقدمه

یکی از موضوعاتی که از ابتدای تأسیس رژیم صهیونیستی اسرائیل، همواره مورد توجه رهبران و سیاستگذاران این رژیم قرار داشته، دستیابی و تسلط هرچه بیشتر بر منابع آبی منطقه بوده است؛ به بیانی آشکارتر، این موضوع، پیش از اینکه در چارچوب سیاستهای عملی این رژیم قرار داشته باشد، از پشتوانه‌ای تئوریک و نظری برخوردار است. هنگامی که "هرتزل" بنیانگذار صهیونیسم، دورنمای یک اسرائیل بزرگ را ترسیم می‌کرد، مسأله منابع آبی را بیش از هر موضوع دیگر مورد توجه قرار داد و تأکید کرد که بنیانگذاران راستین دولت یهود، کارشناسان و مهندسان آبیاری خواهند بود.

پس از تأسیس رژیم صهیونیستی، دیگر سیاستمداران آن نیز بر این مدعا صحه گذاردند و از جمله "بن‌گوریون"، نخست‌وزیر اسبق اسرائیل در مورد اهمیت منابع آبی، اعتراف داشت که جنگ یهودیان با اعراب بر سر منابع آبی است و در صورت شکست، دیگر، یهودیان جایی در فلسطین نخواهند داشت.^۱

حوادثی که در سالهای پس از تأسیس در سطح منطقه رخ داد، بویژه جنگهای اعراب با این رژیم و پیامدهای این برخوردها، مخصوصاً در زمینه توسعه ارضی این رژیم و تسلط بیشتر آن بر منابع آبی منطقه، همگی گواهی صادق بر وفاداری رهبران اسرائیل بر ایده‌آلهای پیشینان خود است؛ حتی امروزه که موج صلح‌طلبی بر تحولات منطقه سایه افکنده است و دولتهای عربی یکی پس از دیگری در کمند سیاستهای منطقه‌ای آمریکا - اسرائیل به اعطای امتیاز و سازش بیشتر با تل‌آویو تن می‌دهند، همچنان مسأله آب به عنوان یکی از محورهایی که مستقیماً با مسائل امنیتی و حیاتی اسرائیل ارتباط دارد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در همین رابطه، مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه تل‌آویو در گزارش سری که در سال ۱۹۹۱ تنظیم کرده است، تأکید می‌کند که اسرائیل در صورت عقب‌نشینی از اراضی اشغالی، باید تسلط خود را بر منابع آبی این منطقه حفظ کند. در این گزارش، که روزنامه اسرائیلی "هاآرتز" بخشی از آن را چاپ کرده، آمده است: «بدون حل مشکل آب، تدابیر امنیتی محال است. اسرائیل باید برای حفظ منابع آبی هر اقدامی انجام دهد».^۲

چنین موضعگیریها و تحلیلهایی باعث شده که برخی از کارشناسان مسائل خاورمیانه بر

این اعتقاد باشند که اگر در دهه آینده جنگی میان اعراب و اسرائیل روی دهد، این جنگ بر سر منابع آبی خواهد بود.

در این نوشته مقصود این است که در حد توان نویسنده و با کمک منابع محدود موجود، تصویری مشخص از استراتژی رژیم صهیونیستی اسرائیل در مورد استیلا بر منابع حیاتی آبی منطقه ترسیم شود؛ بدان امید که این نوشتار، نقطه شروعی برای بررسیهای جامع آینده باشد.

۱- آب، هدفی استراتژیک

در زمینه توصیف ارتباط میان "آب" و استراتژیهای اسرائیل، باید به سه مقطع کلی اشاره کرد:

- ارتباط آب با استراتژیهای صهیونیزم از سال ۱۸۸۲، یعنی تاریخ تأسیس اولین

مستعمره در فلسطین، تا تشکیل رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۸

- ارتباط آب با استراتژیهای نظامی اسرائیل و اشغال پی در پی ارضی و بحری در جنگهای اسرائیل با اعراب

- ارتباط آب با استراتژیها و اهداف آینده‌ای که اسرائیل در راه تحقق آنها از حربه‌های خاص خود چون تهدید نظامی بهره می‌گیرد.

در جهت تبیین محورهای فوق باید اضافه کرد که مسأله آب برای اسرائیل، فراتر از یک موضوع مربوط به "توسعه"، مسأله‌ای مرتبط با موجودیت این کشور است؛ چراکه آب همواره از عوامل بنیادی ادامه طرح صهیونیسم در منطقه بوده و هست. اسرائیل بر خلاف ترکیه، که با بهره‌گیری از منابع فراوان آبی، خود را برای تصدی یک نقش فعال در آینده منطقه آماده می‌کند، جویای موقعیتی بمراتب فعالتر، و در واقع تسلط بر منابع آبی اعراب است.

مسئله آب همواره از عوامل بنیادی ادامه طرح صهیونیسم در فلسطین، یک طرح اسکان است که بر مبنای جذب بیشترین تعداد از یهودیان سراسر جهان و اسکان آنان در کشور مخصوص به خود پایه‌ریزی شده است. بدیهی است موقعیت کامل این طرح به ایجاد اشتغال برای این مهاجران و فراهم ساختن سطح زندگی نسبتاً بالایی وابسته است که مشوق ماندن آنها در

فلسطین و اغواکننده سایر یهودیان جهان برای مهاجرت به فلسطین باشد. به منظور تأمین شرایط موفقیت این طرح، ضرورت داشت که اقتصاد صهیونیستی به وسیله کمکهای گسترده خارجی حمایت شود، ولی توسعه منابع طبیعی و انسانی محلی، همچنین گسترش بازار را نمی‌توان با نادیده گرفتن این اصل کلی برقرار کرد که همواره باید رابطه دوسویه و متعادلی میان سرمایه‌گذاری مادی و انسانی که از خارج وارد می‌شود، با امکانات طبیعی که بتواند پاسخگوی نیازهای سرمایه‌گذاری و نیروی انسانی مزبور باشد، وجود داشته باشد؛ زیرا این فرایند، از نظر اقتصادی، با عوامل باز دارنده مهمی روبرو می‌شود که مهمترین آنها محدودیت و کمبودهای منابع طبیعی به طور اعم، و ناکافی بودن منابع آبی به طور اخص از یکسو، و تحریم اقتصادی اسرائیل به وسیله اعراب از سوی دیگر است.

افزون بر این موانع اقتصادی، مانع دیگری نیز وجود داشت و آن مقاومت فلسطینیان و اعراب مالک زمین در برابر توسعه‌طلبی اسرائیل بوده است. همین امر، اقتصاد اسرائیل را ملزم می‌ساخت که بخش نسبتاً عظیمی از درآمد خود را به نوعی از بسیج مستمر نظامی اختصاص دهد به گونه‌ای که هر لحظه، آماده تجاوز و گسترش باشد. این مسأله اقتصاد این کشور را با دشواریها و بحرانهای فزاینده و پی در پی روبرو می‌ساخت. نتیجه اینکه، این مانع از تحقق هدف اصلی این رژیم، که جذب تعداد بیشتری از یهودیان جهان بود، جلوگیری می‌کرد.

هرگاه این بحران به شدیدترین مرحله خود می‌رسید، اسرائیل از جنگ به عنوان راه حل اساسی بهره می‌جست. اسرائیل از طریق جنگ به یکی از دو هدف اساسی خود، و در اغلب اوقات به هر دو هدف، دست می‌یافت. این دو هدف، دریافت کمکهای مالی و انسانی بیشتر از خارج، و گسترش از طریق تصرف سرزمینهای بیشتر و منابع فزونتر، و در رأس آنها منابع آبی بود.^۳

۲- نگاهی به تاریخچه عملکرد رژیم صهیونیستی برای دستیابی به منابع آبی منطقه

اسرائیل از زمان تأسیس در سال ۱۹۴۸ م. تمامی منابع موجود آبی قابل بازیابی را

گسترش داده است. این رژیم اندکی پس از اشغال بخشی از اراضی فلسطین (در سالهای اولیه تأسیس) یک کمیته تخصصی برای بهره‌برداری از آب موجود در اراضی اشغالی تشکیل داد و در کنار آن نیز دو کمیته دیگر با عنوانهای "تحال" و "مکوروت" را برای ایجاد سدهای آبی و بهره‌برداری از آبهای زیرزمینی ایجاد کرد. این سه نهاد با همکاری وزارت کشاورزی، وزارت دارایی، وزارت جنگ و مرکز مطالعات استراتژیکی رژیم صهیونیستی، طرحهای وسیعی برای بهره‌گیری از منابع آبی اعراب تهیه کردند، که از جمله این پروژه‌ها باید به حفر بیش از ۴۰۰۰ حلقه چاه عمیق در طول ۱۰ سال اشاره کرد.^۲

پس از جنگ جهانی اول و برنامه‌های سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷م. صهیونیستها به قوانین بین‌المللی آبها توجهی نکرده، و در جنگ اول اعراب و اسرائیل (۴۹ - ۱۹۴۸) کوشش کردند که آبهای اردن را به تصرف در آورند، هرچند این تلاش موفقیت‌آمیز نبود. از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۵ دولت امریکا برای خاتمه دادن به بحران تقسیم آب، برنامه‌ای را تهیه کرد. آیزنهاور در اواخر سال ۱۹۵۳ "اریک جانستون" سفیر امریکا را مأمور طرح راه‌حلی برای پایان دادن به مناقشه آب در منطقه کرد. جانستون برای رسیدن به یک توافق میان کشورهای عرب و اسرائیل، سهمیه آب مشخصی را برای کشورهای لبنان، سوریه، اسرائیل و اردن مطرح می‌کرد. این برنامه عملاً به اجرا در نیامد و دولتهای عرب از انعقاد قرارداد تقسیم سهمیه آب خودداری ورزیدند، زیرا انعقاد این قرارداد را به منزله به رسمیت شناختن اسرائیل می‌دانستند.^۵ بعد از شکست طرح جانستون، دولتهای حوزه رود اردن هر یک به پروژه‌های هیدرولیک منحصر به خود روی آوردند:

اردن یک پروژه عظیم آبیاری را در دره اردن تعقیب می‌کرد که به وسیله کانال گور شرقی (که اینک ملک عبدالله نامیده می‌شود) تأمین می‌گردید؛ در حالی که اسرائیل شبکه آبرسانی ملی خود را می‌ساخت (که در سال ۱۹۶۴ تکمیل شد). اردن و اسرائیل، هر دو از امریکا کمک دریافت نمودند. شکست مذاکرات منطقه‌ای در ایجاد تنش بین

دولتها نقش مهمی داشت. سوریه طرح انحراف سرچشمه‌های (رودهای واقع در کشورهای) عربی در سال ۵ - ۱۹۶۴ را، که توسط عبدالناصر، رئیس جمهور مصر مطرح شده بود، برای هدایت آبهای رودخانه‌های باناس و حاصبانی به رود یرموک، و در نتیجه خنثی نمودن اقدامات اسرائیل در زمینه انحراف آب رودخانه‌ها، که از راه کاهش جریان رود اردن علیا تا ۳۵٪ آن را به اجرا در آورد، از نظر اسرائیل تحرک آمیز تلقی می‌شد. این تأسیسات، دو ماه قبل از جنگ شش روزه (سومین جنگ اعراب و اسرائیل) در آوریل ۱۹۶۷ توسط اسرائیل بمباران گردید. پروژه مزبور به کشورهای عرب سهمیه آب کمتری از آنچه بر طبق طرح جانستون به آنها تعلق می‌گرفت، تخصیص می‌داد، اما این پروژه از نظر اسرائیل گویای نفوذ منطقه‌ای فزاینده مصر و سوریه بود و در نتیجه، خطرناک تلقی می‌شد.^۱

اسرائیل برای تأمین نیازمندیهای آب آشامیدنی خود، کانال بزرگی به نام کانال "ملی حمل آب" احداث کرد که عملیات آن در سال ۱۹۶۴ پایان یافت. رژیم صهیونیستی از طریق این کانال سالانه ۵۰۰ میلیون متر مکعب آب از دریاچه "طبریه"، یعنی تنها منبع آب طبیعی کشور، به صحرای "نقب" (نگب) منتقل کرد.

جنگ شش روزه و دستیابی به منابع آبی بیشتر

در سال ۱۹۶۴، بحران آب شدت یافت و اتحادیه عرب در مقابل احداث کانال ملی از سوی اسرائیل تصمیم گرفت برنامه‌ای را طراحی کند. قرار شد در شمال، مسیر رودخانه‌های "حسابانی" و "باناس" را منحرف کرده، جریان آب را از طریق ارتفاعات جولان به یرموک منتقل کند؛ بدین ترتیب، آن مقدار از آب رودخانه‌هایی که باقی می‌ماند، بار دیگر به رود اردن منتقل می‌شد. این اقدام باعث مساعد شدن زمینه جنگ شش روزه (۱۹۶۸) شد. گلدامایر، وزیر خارجه وقت اسرائیل، اقدام اتحادیه عرب را یک عمل تهاجمی علیه موجودیت اسرائیل خواند. هواپیماهای اسرائیلی طرحهای سدسازی اعراب را بمباران کردند و پمپهای آب دریاچه طبریه را بکلی منهدم ساختند. در جنگ شش روزه، آب نقش بسیار مهمی در تعیین اهداف جنگی اسرائیل داشت.

سربازان اسرائیلی در آخرین ساعات جنگ به تخریب سد یرموک و کانال شرقی ادامه می دادند و هواپیماهای این کشور پایگاه‌های فلسطینی را بمباران می کردند.^۷

در کنار اهداف و ثمرات نظامی و استراتژیک، پیروزی اسرائیل در این جنگ باعث شد که این رژیم به منابع آبی فراوانی نیز دست یابد، که به طور خلاصه به این شرح است: رژیم صهیونیستی با اشغال کرانه باختری سالانه از مجموع ۶۵۰ میلیون متر مکعب آب رود اردن، سالانه ۴۸۵ میلیون متر مکعب را مورد استفاده قرار داد. با اشغال کرانه غربی، رژیم صهیونیستی به یک سلسله زمینهای حاصلخیز کشاورزی در منطقه "الاغوار" اردن دست یافت و با اشغال منطقه بسیار مهم جولان، علاوه بر دستیابی به امکان کنترل آبهای اردن و بخشی از یرموک، سالانه ۹۰۰ میلیون متر مکعب آب بر حجم آبهای موجود خود افزود.^۸

در دوره ۷۰ - ۱۹۶۷ ارتش اسرائیل، کانال گور شرقی و دره اردن را به تلافی تهاجمات سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO) به داخل اسرائیل، از پایگاه‌های واقع در اردن بارها گلوله باران کرد. این منازعه‌ای بر سر منابع آب نبود بلکه تأسیسات آبی به عنوان اهداف استراتژیک تلقی می گردید.^۹

در دهه ۱۹۸۰، اردن، نسبت به میزان آبی که در پروژه‌های سوریه در زمینه رود یرموک مصرف می شد و تأثیری که این امر در آینده بر منابع آب این رودخانه خواهد گذاشت، دچار نگرانی شد. در ژوئیه ۱۹۸۷، سوریه و اردن یک موافقتنامه در زمینه احداث سد "الوحده" در مقرین برای ذخیره سازی ۲۲۵ MCM آب تحت شرایط بسیار مطلوب به نفع سوریه امضا کردند. درخواست اردن از بانک جهانی برای فراهم آوردن سرمایه لازم (۳۰۰ میلیون دلار) رد شد، زیرا اسرائیل به عنوان کشوری که مجاور رودخانه مزبور است با این ادعا که اجرای این پروژه تأثیر سوئی بر استفاده اسرائیل از ۱۵٪ آب یرموک خواهد داشت، با آن مخالفت ورزید. هنگام ثبت پروژه مزبور، اسرائیل بیانیه‌ای رسمی مبنی بر عدم مخالفت نسبت به آن صادر نکرد، و در واقع تهدید نمود که اگر زمانی سد الوحده/قرین ساخته شود، آن را بمباران خواهد کرد.*

* - برای آشنایی بیشتر با موقعیت جغرافیایی تأسیسات آبی مذکور، مطالعه نقشه ضمیمه مفید است.

باید توجه داشت که در کنار تحرکات و موضع‌گیریهای انعطاف‌ناپذیر و بعضاً نظامی، همواره صحنه‌هایی از همکاریهای دو یا چند جانبه میان اسرائیل و دیگر کشورهای حوزه رود اردن و لیبانی، بویژه اردن قابل مشاهده است؛ از جمله می‌توان به مذاکرات میان دو کشور در سالهای ۸۰ - ۱۹۷۹، در زمینه انعقاد یک موافقتنامه محرمانه در باره بهره‌برداری از آب یرموک اشاره کرد و یا سیستم آبیاری قطره‌ای به کار گرفته شده در دره اردن که توسط اسرائیل خریداری شده است.^{۱۰} سرانجام، باید به "قرارداد صلح اردن و اسرائیل" منعقد ۲۵ ژوئن ۱۹۹۴ اشاره کرد. در ذیل ماده ۶ این قرارداد که در زمینه حل و فصل کامل و خاتمه اختلافات طرفین در مسأله آب است، دو کشور مزبور به رعایت موارد خاصی متعهد می‌شوند از جمله:

- شناسایی سهم عادلانه طرفین در آبهای رود اردن و یرموک و سفره آب زیرزمینی وادی عربیه/هاعرفا

- جلوگیری از اینکه مراکز تنظیم و توسعه منابع آب هر یک از طرفین به منابع آب طرف دیگر آسیب رساند

- استفاده از راه‌های گوناگون از جمله طرحهای منطقه‌ای و همکاریهای بین‌المللی برای تأمین آب بیشتر

- مبادله اطلاعات و تحقیقات مشترک و توسعه اهداف مربوط به آب و بررسی امکانات موجود برای گسترش و استفاده از منابع آب

شایان ذکر است که در بخش ضمایم قرارداد، ضمیمه‌ای مستقل در مورد "آب" گنجانیده شده است.^{۱۱}

در هر صورت، اسرائیل نیازهای آبی خود را در اولویت قرار داده، کنترل بر منابع رود اردن و سفره‌های آبی کلیدی را به عنوان حداقل نیاز امنیتی خود تلقی می‌کند. دیدگاه‌های امنیتی اسرائیل که سرزمینی است، همچنان به قوت خود باقی مانده است. در حالی که سیاستگذاران بر کسری شدید آب در اردن و غزه اذعان دارند و از همکاری بین‌المللی در زمینه مدیریت آب برای تضمین کنترل کیفیت پشتیبانی می‌کنند. آنها همچنان تأکید دارند که "سهامیه‌های مشروع" اسرائیل باید حفظ شود. اسرائیل انکار

می‌کند که از منابع آب همسایگان خود بطور غیر مجاز بهره‌برداری کرده است. در مذاکرات صلح چند جانبه مسکو در ژانویه ۱۹۹۲، کمیسیونر آب اسرائیل، اظهار داشت که اسرائیل در استفاده از منابع بهره‌برداری نشده، تولید منابع آب جدید از طریق احداث تأسیسات شیرین‌سازی آب و هماهنگ کردن اقدامها برای کنترل آلودگی حاضر به همکاری است.

با این حال، این موضوع تحت الشعاع مسائل اساسی تر قرار می‌گیرد. کنترل اسرائیل بر سفره‌های آبی یارکون - تائینیم و بت شیرین در کرانه باختری، علت اصلی اکراه آن کشور در از دست دادن کرانه باختری در جریان معامله "زمین در ازای صلح" است.^{۱۱} در ادامه بحث به مبحث نقش آب در مذاکرات صلح خاورمیانه خواهیم پرداخت.

نقش آب در مذاکرات صلح خاورمیانه

ادامه حیات رژیم صهیونیستی به رغم کمکهای مستقیم شیطان بزرگ امریکا و حمایت‌های قدرتهای شیطانی دیگر، همواره با مشکلات گوناگونی روبرو بوده و خواهد بود. قیام مردم مسلمان فلسطین در قالب انتفاضه، استراتژی سلطه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی اسرائیل را در منطقه با ابهام روبرو کرده است. در اینجا در پی آن نیستیم که مذاکرات صلح خاورمیانه را از دیدگاه نقش و تأثیر انتفاضه به عنوان عاملی اساسی بحث و بررسی کنیم، بلکه متناسب با موضوع مقاله در صدد آنیم که در حد دسترسی به منابع و اطلاعات موجود، نقش آب را در این مذاکرات ارزیابی کنیم. از آنجاکه اسرائیل حاضر نیست از ذخائر طبیعی آب چشم‌پوشی کند و از سرزمینهای اعراب خارج شود، مشکل آب برای اسرائیل، موضوعی امنیتی تلقی می‌شود و مذاکرات صلح خاورمیانه را نیز می‌توان از این زاویه بررسی کرد.

الف) آب، یکی از دلایل سازش

اسرائیل از نظر منابع آبی در دهه ۱۹۶۰ تمامی طرحهای آبیاری را که در مورد

آبهای زیرزمینی میسر بود، انجام داد و به پایان رسانید. چنین بود که کشاورزی دچار ضعف، و عوامل بازدارنده گوناگون شد، لیکن جنگ ۱۹۶۷ و پیامدهای آن، که شامل دسترسی اسرائیل به بخش بزرگی از آبهای زیرزمینی کرانه غربی رود اردن "حاصبانی"، "وزانی" و آبهای اردن بود، موجب گردید که کشاورزی این رژیم از نو شکوفا شود. همین امر به کاهش واردات مواد غذایی اسرائیل منجر گردید که در دهه ۱۹۶۰، ۲۰٪ کل کالاهای وارداتی اسرائیل را تشکیل می‌داد، در صورتی که در سال ۱۹۷۷ این بخش از واردات تا ۱۰٪ کاهش یافت. این در حالی است که جمعیت این رژیم در همین زمان از یک میلیون نفر به ۳/۶ میلیون نفر افزایش یافت؛ اما به رغم اینکه اسرائیل، اهداف مستقیم خود را از راه جنگ تحقق بخشید، و با وجود اینکه اقتصاد اسرائیل به جهشهای کمی و کیفی دست یافت، ولی هر آنچه انجام می‌گرفت، چیزی جز یک راه حل موقت نبود.

سرانجام، رژیم صهیونیستی نتوانست بطور کلی از بحرانهای بنیادی خود رهایی یابد. بحرانی که از هنگام پیدایش با آن درگیر بود و در ناتوانی در دستیابی به یک قدرت اقتصادی، که موازی قدرت نظامی خود باشد، جلوه می‌کرد. با جنگ اکتبر ۱۹۷۳، بحران بالقوه اسرائیل شکل جدیدی به خود گرفت و به یک بحران بالفعل تبدیل شد؛ زیرا این مرتبه، جنگ برای اسرائیل آن نقش اقتصادی معمول خود را ایفا نکرد و نتوانست عملکرد اقتصادی را هنگام روبرو شدن با بحران، و عاجز ماندن ابزارهای سیاسی و اقتصادی و مالی معمول که به کار برده می‌شد، جان تازه‌ای ببخشد.

جنگ این مرتبه، نتایج معکوسی به بار آورد و عاملی برای پیدایش بحران جدید (جنگ ۱۹۷۳) و یا علتی برای عمیقتر کردن یک بحران موجود (اشغال لبنان در سال ۱۹۸۲) گردید. بحران اسرائیل پیش از آغاز مذاکرات مادرید وارد مرحله بسیار حاد و خطرناک شده بود، زیرا فعالیت بهره‌برداری کشاورزی به حداکثر خود رسیده، و تمامی منابع آبی موجود و حتی منابعی که به دنبال جنگ ۱۹۶۷ به آنها دست یافته بود، از میان رفته بود. در واقع، کار به جایی رسید که اسرائیل عملاً با کمتری آب روبرو شد. در این مورد، چنین بر آورد می‌شد که حجم آب در دسترس تا پایان دهه جاری به نصف

نیازهایش کاهش یابد. اقدامات صنعتی شدن نیز با مانع افزایش هزینه روبرو بود و امکان نداشت که آن را با گنجایش کنونی بازار بر طرف کرد؛ در عین حال، اسرائیل ناگزیر از پذیرا شدن امواج سیل آسای مهاجرت یهودیان شوروی (سابق) بود. در این راستا، حل این بحران به تحولی در جهت‌گیری استراتژیک طرح صهیونیستی نیاز داشت و می‌بایست از تحقق تمام هدفهایی که امکان تحقق همزمان آن دشوار شده بود، صرف‌نظر شود. این هدفها تلاش برای اسکان بیشترین تعداد از مهاجران و تشکیل قدرتمندترین نیروی نظامی در هم شکننده در خاورمیانه، تأمین زندگی بالا برای مردم و در عین حال، ادامه برخورداری از میزان بالایی از استقلال اقتصادی و سیاسی بود. بدیهی است که همه این هدفها باید از یک اقتصاد کوچک و با بهره کم از منابع طبیعی سرچشمه بگیرد.

چنین اهدافی را نمی‌توان جامه عمل پوشانید مگر اینکه تجدید نظری در استراتژی سستی اسرائیل در رهبری کشمکش خود با اعراب به عمل آورد. از این روست که اسرائیل به سازشی که هم اکنون در جریان است، به عنوان چارچوبی برای پیاده کردن طرح صهیونیستی بر مبنای اقتصاد چشم دوخته است؛ زیرا به کارگیری قدرت نظامی دیگر کارساز نیست و به حد نهایی خود رسیده است. بنابراین طرح تسویه مسالمت‌آمیزی که اسرائیل در پی آن است، باید اسرائیل را در دسترسی به عناصر تولیدی مورد نیاز خود (آب، نفت، نیروی کار ارزان، و سرمایه‌گذاری بزرگ) کمک کند، همچنین بازارهایی برای فروش تولیدات خود با وضعیت بسیار بهتر از آنچه هم اکنون در روابط خود با سایر کشورها دارد، فراهم آورد.

دلایل بسیاری بر این مدعا وجود دارد؛ برای مثال، گفتگوهای چند جانبه با دستور کار شامل آب، محیط زیست، و توسعه در منطقه خاورمیانه آغاز شده است؛ بی آنکه حتی به اعراب وعده انجام عمل "زمین در مقابل صلح" داده شود؛ وعده‌ای که بر مبنای آن وارد مذاکرات مادرید شده بودند. همچنین می‌توان این نکته را از طریق حجم بسیار زیاد ادبیات به کار رفته برای تبلیغ بازار خاورمیانه‌ای آن پی‌گیری کرد. شاید نیازی به ارائه دلایل دیگری در مورد اولویتی که اسرائیل برای مسأله آب قائل است نباشد زیرا این نخستین مسأله‌ای بود که در گفتگوهای چند جانبه در کمیته مخصوصی مورد بحث

قرار گرفت و دوستان اسرائیل پیش از تشکیل کمیته مزبور، تبلیغات وسیعی برای طرح موسوم به خط لوله به راه انداخته بودند.^{۱۳}

ب) آب، محور مهمی در مذاکرات صلح

سرانجام مذاکرات صلح خاورمیانه در قالب پیش‌نویس توافق ساف و اسرائیل معروف به طرح "غزه - اریحا" آغاز گردید. در متن پیوست شماره ۴ این توافقنامه، که تحت عنوان "پروتکل همکاری اسرائیل - فلسطینی در زمینه برنامه‌های توسعه در منطقه" مطرح شده، در چارچوب طرح "توسعه اقتصادی ممکن" موارد مربوط به منابع آبی عبارتند از:

- تدوین "طرح مشترک اسرائیلی - فلسطینی - اردنی برای هماهنگی در بهره‌برداری از منطقه بحرالمیت"

- دریای مدیترانه (غزه) - آبراه بحرالمیت

- طرح تأسیس آب شیرین‌کن و طرح‌های دیگری برای توسعه منابع آبی^{۱۴}

هر چند هنوز جزئیات گفتگوهای مربوط به خروج اسرائیل از سرزمینهای اشغالی مشخص نشده است، اما به احتمال قوی، اسرائیل فقط در مورد برخی مناطق حاضر به مصالحه خواهد بود. در مورد آب مشکلات زیادی چه به لحاظ تخصیص منابع و چه از لحاظ حقوقی وجود دارد که بسادگی طرفین مذاکرات مربوط به پیمان غزه - اریحا نمی‌توانند آن را حل کنند. در برخی از گزارشها آمده است که اگر اسرائیل مناطق اشغالی غرب رود اردن را به فلسطینی‌ها بازگرداند و بلندبهای جولان را به طور کامل تخلیه کند، بیش از ۶۵٪ منابع آبی را که در اختیار دارد، از دست خواهد داد. این قبیل بررسیها بیانگر این است که مسأله آب تا چه میزان به عنوان یک محور استراتژیک در مذاکرات صلح اهمیت دارد.

در همین رابطه می‌توان به نتیجه تحقیقات مرکز تحقیقات استراتژیک دانشگاه تل‌آویو (یافا) اشاره کرد: برابر این بررسیها، در کنار گفتگوهای مربوط به خروج اسرائیل از سرزمین اشغالی، تفکرات نظامی و تعیین مرزهای جدید، باید موضوع آب نیز به

صورت مقوله‌ای جداگانه در دستور کار قرار گیرد. بنابر نظر کارشناسان این مؤسسه، اسرائیل باید در مذاکرات خود با سوریه در مورد نواحی شمالی ارتفاعات جولان، بویژه مناطق آب‌خیز رود اردن، تنها به باز پس دادن بخشی از سرزمینها رضایت دهد. افزون بر آن، مرزهای غرب اردن باید چند کیلومتر به طرف غرب کشیده شود تا اسرائیل از ذخائر آب زیرزمینی بیشتری برخوردار گردد؛ در حالی که سوریه و فلسطین با هرگونه تغییر مرز مخالفتند.^{۱۵}

در ادامه بحث مناسب است که به یکی از مهمترین گزارشهایی که در زمینه پیامدهای اقتصادی صلح برای اسرائیل، فلسطین و اردن منتشر شده است، اشاره کنیم. در این گزارش که توسط "روزن" پژوهشگر اقتصادی در انیستیتیوی اقتصاد بین‌الملل در واشنگتن دی.سی و "پاتریک کلاوسون" عضو انستیتو پژوهشهای سیاست خارجی در آمریکا تدوین شده، در باره حوزه "همکاری در زمینه آب" آمده است:

در صورت برقراری روابط اقتصادی نزدیک بین اردن، اسرائیل و کرانه غربی و غزه، همکاری منطقه‌ای در زمینه آب دارای منافع دو جانبه خواهد بود... بدون برنامه‌ریزی هماهنگ، سکنه هر سرزمین از آبی استفاده خواهد کرد که منابش در سرزمین دیگری است. علاوه بر این، دیگر هیچ سرزمینی انگیزه سرمایه‌گذاری برای شیوه‌های ذخیره آب نخواهد داشت که منافع آن دست کم به اهالی سرزمینهای دیگر تعلق خواهد گرفت؛ به عبارت دیگر، آب زمینه دیگری برای تشویق برقراری روابط اقتصادی نزدیکتر است و در مقایسه با راه حل استقلال اقتصادی باعث رفاه هرچه بیشتر مردم منطقه می‌شود... برنامه‌ریزی آب منطقه‌ای، سرانجام آب را باید بر اساس سیاسی تقسیم کند، زیرا هیچ پایه علمی یا اقتصادی برای تقسیم عادلانه منابع آب در دسترس نیست^{۱۶}

بدین ترتیب مشخص می‌شود که در چارچوب معادلات کارشناسان غربی در باره تحولات آینده منطقه، بویژه مسائل مربوط به تحقق صلحی جامع در خاورمیانه، موضوع کنترل و نظارت بر منابع آبی تا چه میزان حیاتی است.

نتیجه‌گیری

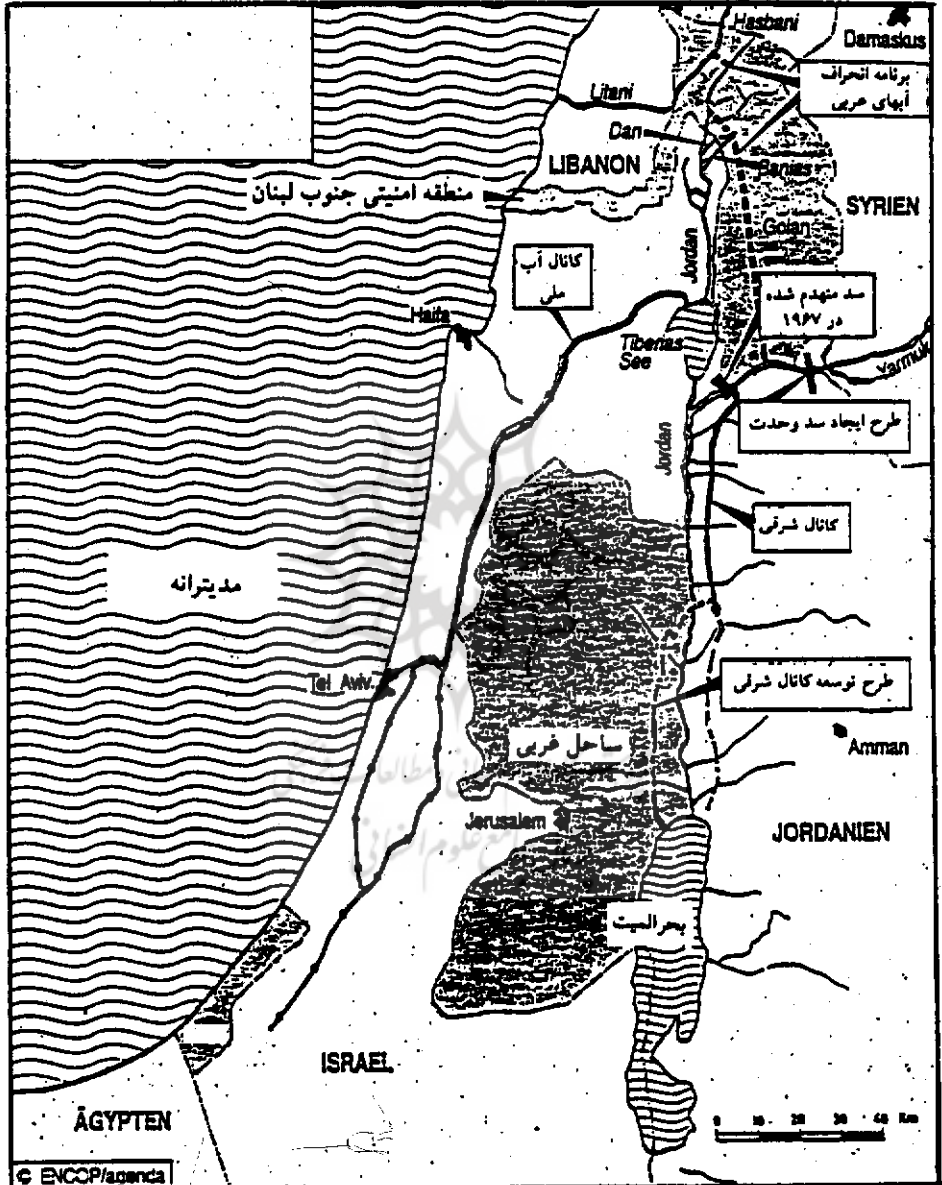
بحران خاورمیانه ابعاد تاریخی - سیاسی پیچیده‌ای دارد. در واقع، کل بحران را باید

در یک مجموعه حل و فصل کرد و در این میان، هرگونه توافق سیاسی از لحاظ مشکل ارضی بدون حل مشکل آب بیفایده است و تا زمانی که بحران آب حل نگردد، خطر جنگ همواره وجود خواهد داشت.

در مورد استراتژی تل آویو در باره تسلط بر منابع آبی منطقه باید توجه داشت که آب تنها علت اشغال سرزمینهای اعراب و ارتفاعات جولان، غرب اردن و جنوب لبنان از سوی این رژیم نیست. اسرائیل به اشغال این سرزمینها اقدام کرد به این دلیل که از این مناطق احتمال حمله نظامی (زمینی و هوایی) وجود داشت. اسرائیل بعد از تسلط بر این مناطق به ایجاد استحکامات دفاعی در آن پرداخت و به مرور زمان، با توجه به رشد جمعیت و کمبود آب، موضوع "منابع آبی" جدید به یک مسأله مهم و استراتژیک تبدیل شد.

اگرچه شعار "اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات" از طریق حملات نظامی عملی نشد، اما در واقع رژیم صهیونیستی به کناره‌های رود نیل و فرات دست یافت. حضور فیزیکی این رژیم در ترکیه، مصر و اتیوپی این واقعیت را نشان می‌دهد که این رژیم در آینده خواهد توانست به منابع آبی نیل دست یابد. لذا به گفته ژوزه روستوا، یکی از کارشناسان مرکز مطالعه جهانی، خطوط آبی زمینه پرچم اسرائیل، در واقع نمایی از رودهای نیل و فرات است.

(جدول ضمیمه در صفحه بعد)



رودخانه ها و کبهای اردن

یادداشتها

- ۱- روزنامه جمهوری اسلامی، مورخه ۱۳۷۳/۹/۱، ص ۱۲
- ۲- م.ک:
- فصلنامه خاورمیانه، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۳، بخش گزیده‌ها و رویدادها، ص ۳-۲۱۲
- ۳- نجیب عیسی، "نقش آب در توسعه خاورمیانه"، فصلنامه خاورمیانه، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۳، ص ۴۶ الی ۴۸.
- ۴- استراتژی رژیم صهیونیستی برای دستیابی به منابع آبی خاورمیانه، روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۷۳/۹/۱، ص ۱۲
- ۵- "خاورمیانه و بحران آبها"، گزارشی از سفارت جمهوری اسلامی ایران - برن) مجله سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۳، ص ۵۷۷.
- ۶- آب، امنیت و خاورمیانه (گزارشی از مؤسسه مطالعات و استراتژیک لندن)، مترجم پیروز ایزدی، پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک دانشگاه امام حسین (ع)، زمستان ۱۳۷۲، ص ۴۴.
- ۷- خاورمیانه و بحران آبها، همان، ص ۸-۵۷۷
- ۸- استراتژی رژیم صهیونیستی...، همان
- ۹- آب، امنیت و خاورمیانه، همان، ص ۵-۴۴
- ۱۰- همان، ص ۶-۳۵
- ۱۱- م.ک:
- قرارداد صلح اردن و اسرائیل، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۱، ص ۲۰۱-۱۸۷
- ۱۲- آب، امنیت و خاورمیانه، همان، ص ۸-۴۷
- ۱۳- نجیب عیسی، همان، ص ۹-۴۸
- ۱۴- متن کامل پیش‌نویس توافق ساف - اسرائیل (معروف به طرح غزه - اریحا)، فصلنامه خاورمیانه، سال اول، شماره ۱، ص ۱۴۱-۱۲۹
- ۱۵- خاورمیانه و بحران آبها، همان، ص ۵۸۰
- ۱۶- ۵. روزن و ب. کلاوسون، "پیامدهای اقتصادی صلح برای اسرائیل، فلسطینی‌ها و اردن"، فصلنامه خاورمیانه، سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۳، ص ۷-۵۷۶